

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

پنجم اگست ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۰۸

مُقَطَّعات

- ۹ -

در تَعْرِیْتِ غفارخان نوجوان

چه گونه شرح توان داد قصه ای، که ازان
شکسته زورق شادی، به اَلْجَهْ ماتم
ا) (فلک به ماتم غفارخان، سیهپوش است
خروش رعد بهاری ز جانب کُھسار
زمانه گرچه عیان کرد، رسم بیرسمی
مهی ز اوج بزرگی اگر نمود، غروب
هر آن چه در قلم آید، هزار چندان است
ستیزه گر فلکا! باز این چه طوفان است
جهان ز حسرت آن نوجوان در افغان است)
اشارتی ست، کزین قصه، ابر^۳ نالان است
ولی چه چاره، که این چاره رسم دوران است
هزار شکر، که خورشید مُلک رخشان است

^۱ "اَلْجَهْ": (به ضم اول و فتح و تشدید دوم) کلمه عربی و در معنای "بحر"

^۲ (بیت بالا در نسخه کاتب موجود نیست.)

^۳ ب. چرخ

رضا به حُکم قضای خدای، باید داد!!!
که حکم، حکم خدا، امر، امر یزدان است

* * *